

بررسی انتقادی کتاب «فایل انگلیسی آمریکایی»

(صفحات ۱۶۹ تا ۱۸۹)

کلثوم یاسمی^۱* دکتر فردوس آقاگل‌زاده^۲

پذیرش: ۹۴/۳/۳۰

دریافت: ۹۴/۲/۱۹

چکیده

تحقیق حاضر به تحلیل گفتمان انتقادی کتاب «فایل انگلیسی آمریکایی» می‌پردازد. هدف این تحقیق بررسی عوامل گفتمانی، جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی و چگونگی ارائه آنها در کتاب مذکور است. به این منظور دو متن و چند تصویر از کتاب نامبرده انتخاب شده است. ساختارهای گفتمان‌مدار این دو متن بر اساس چارچوب ون دایک (۱۹۹۸) بررسی شده است. این چارچوب مؤلفه‌های گفتمانی، اجتماعی و شناختی را بررسی می‌کند. در تحلیل تصاویر نیز از الگوی کرس و ون لییون (۱۹۹۶) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد: کتاب مذکور مملو از عوامل گفتمانی از جمله عناصر واژگانی، ساخت‌های نحوی،

۱. دانشجوی دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (kyasami91@gmail.com).
۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران؛ نویسنده مسئول (aghagolz@modares.ac.ir)

معنایی و کاربردی، همچنین مؤلفه‌های اجتماعی، مانند بافت موقعیتی، مشارکین، ساختارهای اجتماعی و قدرت و نیز مؤلفه‌های شناختی از جمله مدل‌های ذهنی و بافتی، ارزش‌ها، نظام‌های ارزشی اجتماعی - فرهنگی است. نویسندگان، گفتمان این کتاب را با استفاده از این مؤلفه‌های گفتمانی، اجتماعی و شناختی در قالب ساختارهای گفتمان‌مدار طوری طراحی کرده‌اند که اهداف و ایدئولوژی مورد نظر آنان از جمله توصیف و بررسی مسائل اجتماعی جوامع غربی و ارائه دانش ملی و فرهنگی این جوامع، بازنمایی نظام سرمایه‌داری و نگرش نژادپرستانه را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی انتقال نرم ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی در قالب این کتاب مشهود است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی ون دایک، الگوی کرس و ون لیبون، انتقال فرهنگی و کتب آموزشی

مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ به شماری از رویکردها اطلاق می‌شود که برای تحلیل کاربرد زبان نوشتاری، گفتاری، اشاره‌ای یا هر نوع کاربرد نمادین به کار برده می‌شود. اصول فکری تحلیل گفتمان فراتر از تحلیل متن یا نوشتار یا تحلیل گفتار است. در تحلیل گفتمان به شرایط اجتماعی، زمینه وقوع متن نوشتار یا گفتار، ارتباطات غیر کلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. به‌طور کلی دو رویکرد برای تحلیل گفتمان وجود دارد: توصیفی و انتقادی. از آنجا که مطالعه حاضر با رویکرد انتقادی انجام شده است، به بررسی این رویکرد می‌پردازیم. به گفته ون‌دایک^۲ (۱۹۹۸: ۴۵) تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی این واقعیت می‌پردازد که چگونه سوء استفاده از قدرت اجتماعی، تفوق و نابرابری توسط متن و گفته در بافت اجتماعی و سیاسی، اجرا و تولید شده و استمرار می‌یابد.

فرکلاف^۳ (۱۹۹۳: ۱۳۵) نیز معتقد است: تحلیل گفتمان انتقادی که هدفش بررسی سازمان‌مدار روابط مبهم میان متون، رویدادها و بافت‌های گفتمان‌مدار و ساختارها و روابط فرهنگی و اجتماعی وسیع‌تر است، به مطالعه این موضوع می‌پردازد که چگونه این رویدادها و متون به صورت ایدئولوژیکی از روابط قدرت و درگیری بر سر قدرت، برخاسته و شکل گرفته است و چگونه است که ابهام روابط بین گفتمان و جامعه خود عاملی برای تضمین قدرت و نابرابری است.

از نظر پژوهشگران، براساس تحلیل گفتمان انتقادی گفته‌ها (متون) نویسنده‌محور یا گوینده‌محور هستند و با توجه به فکر و عقاید نویسنده یا گوینده سازمان‌دهی می‌شوند و با تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان تا حد زیادی به فکر و اندیشه نویسنده یا گوینده دست یافت. بنابراین، این گونه تحلیل، به بررسی نحوه سازماندهی اندیشه نویسنده یا گوینده در متن می‌پردازد. پژوهشگران در تحلیل گفتمان انتقادی نمودار زیر را برای به وجود آمدن ساختارهای گفتمان‌مدار متن ارائه داده‌اند.

1. Discourse Analysis
2. Van Dijk
3. Fairclough

ساختارهای گفتمان مدار → ساختارهای دستوری و واژگان → دیدگاه فکری-اجتماعی → اندیشه (نویسنده/گوینده)

کارکرد اجتماعی

با توجه به این محور، اندیشه نویسنده یا گوینده برحسب دیدگاه فکری-اجتماعی او با واژگان و ساختارهای دستوری ویژه‌ای شکل می‌گیرد و ساختارهای گفتمان‌مداری در متن به وجود می‌آید. با بررسی ساختارهای گفتمان‌مدار، لایه‌های نهفته زبانی و میزان صراحت و پوشیدگی متن تعیین می‌شود.

تئو. ای. ون دایک (۱۹۹۸) به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته تحلیل انتقادی به بسط مدلی پرداخته که از آن به‌عنوان مدل اجتماعی-شناختی یاد می‌شود. آثار متعددی در معرفی و کاربرد تحلیل گفتمان انتقادی نشر یافته است که در این میان می‌توان به آثار فوکو (۱۹۷۱)، فولر (۱۹۹۱)، پنی کوک (۱۹۹۴)، فرکلاف (۱۹۹۵)، فرکلاف و وندایک (۱۹۹۷)، همرسلی (۱۹۹۷)، بل و گرت (۱۹۹۸)، وندایک و میر (۲۰۰۱)، یورگن سن و فیلیپسن (۲۰۰۰)، ویس و وندایک (۲۰۰۳) اشاره کرد. مطالعه حاضر نیز با به‌کارگیری چارچوب ون دایک (۱۹۹۸) و الگوی کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) بر آن است که نشان دهد کتاب 'فایل انگلیسی آمریکایی' - که به‌عنوان یک کتاب آموزشی در بسیاری از مؤسسات آموزش زبان انگلیسی تدریس می‌شود- از چه ویژگی‌هایی برخوردار است. این پژوهش در راستای پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. عناصر تشکیل‌دهنده گفتمان کتاب فایل انگلیسی آمریکایی از دید انتقادی

ون دایک (۱۹۹۸) کدامند؟

۲. در کتاب مذکور ایدئولوژی کدام یک از کنشگران اجتماعی حاکم

است؟

۳. دیدگاه‌های فرهنگی-اجتماعی گروه‌ها و صاحبان اندیشه در کتاب مذکور

چگونه ارائه شده است؟

1. American English File

۱. پیشینه پژوهش

- طالبی‌نژاد و تاکی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی کتب آموزش زبان انگلیسی بین‌المللی و داخلی در ایران با استفاده از روش تحلیلی فرکلاف پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: در گفتمان کتب آموزش زبان خارجی نظام سرمایه‌داری و گفتمان کتب آموزش زبان داخلی در راستای اصول و موازین پس از انقلاب اسلامی ایران هستند.

- مرادی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود به تحلیل متون کتاب درسی زبان انگلیسی ۳ دوره دبیرستان در ایران در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از روش ون‌دایک می‌پردازد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد: ۹۱ درصد ایدئولوژی‌های مثبت و ۹ درصد ایدئولوژی‌های منفی در متون این کتب قابل تبیین است. همچنین گرایش متون و تصاویر همه دروس کتاب مذکور مردم‌محور و بیانگر تبعیض جنسیتی است. مسائل فرهنگی ذکر شده در متون نیز برگرفته از فرهنگ‌های غربی است که منافاتی با فرهنگ ما ندارد.

- جوادی یگانه و صحفی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با روش فرکلاف، به تحلیل انتقادی گفتمان کتاب دا و رابطه آن با گفتمان مسلط جامعه پرداخته‌اند.

- صابرپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی جنسیت در رمان رازهای سرزمین من» نحوه بازنمایی شخصیت زنان را بررسی کرده است. برای این منظور از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی جهت بررسی متن و نیز از نظریات سیمون دوبوار در باب جنسیت جهت تبیین یافته‌ها استفاده شده است.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیلی توصیفی به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته و مدل نظری ون‌دایک (۱۹۹۸) و الگوی کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) مدنظر است. جامعه آماری این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، دو متن و چند تصویر از کتاب فایل انگلیسی آمریکایی نوشته کلیو اکسندن و کریستینا لاتام کوئینگ^۱

1. Clive Oxenden & Christina Latham- Koenig

در سطح متوسط آموزشی است.

۳. چارچوب نظری

توون ون دایک (۱۹۹۸) موفق شد با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلثی شکل دهد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل انتقادی گفتمان، یعنی رویکرد اجتماعی-شناختی شد. بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی از نظر ون دایک، شامل سه سطح کارکرد گفتمانی، کارکردشناختی و کارکرد اجتماعی است.

کارکرد گفتمانی مؤلفه‌های «بازنمایی صوری»، «بازنمایی معنایی» و «بازنمایی کاربردی» را در برمی‌گیرد. در بازنمایی صوری، واژگان و نحوه چینش آنها بررسی می‌گردد. بازنمایی معنایی به مطالعه انسجام کلی و موضعی، تلویحات، مفاهیم ضمنی، ابهام و مفاهیم معنایی می‌پردازد و در بازنمایی کاربردی، سبک و طرح واره‌ها در متن مورد بررسی است. کارکرد اجتماعی مؤلفه‌های بافت، ساختارها و قدرت اجتماعی را شامل می‌شود. در کارکردشناختی نیز ارزش‌های اجتماعی فرهنگی، ایدئولوژی‌ها، نظام‌های نگرش و دانش اجتماعی فرهنگی مد نظر است.

فهم دقیق مفاهیم سه‌گانه گفتمان، شناخت و اجتماع برای آشنایی با این رویکرد اهمیتی بسزا دارد. منظور از گفتمان در اینجا معنای عام یک رویداد ارتباطی است، از جمله تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، حرکات بدن و سر و دست، طرح صفحه‌بندی، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر دلالت معنایی (Van Dijk, 2001: 98). بنابراین، منظور از گفتمان در اینجا همان زبان در بافت موقعیتی و اجتماعی است و با نگرش فوکو و لاکلا و موفه به گفتمان متفاوت است. اما شناخت، مرتبط است با شناخت فردی و اجتماعی، باورها، اهداف و همچنین ارزیابی‌ها و احساسات و یا همه ساختارها، بازنمایی‌ها و فرآیندهای مرتبط با ذهن و حافظه که به گفتمان و تعامل مربوطند و سرانجام اینکه اجتماع هم شامل خرده‌ساختارهای محلی تعاملات رو در روی موقعیت‌مند می‌شود، هم شامل ساختارهای همگانی‌تر سیاسی و جمعی که به‌طور مختلف در قالب گروه‌ها، روابط گروهی (مانند سلطه و نابرابری)، جنبش‌ها، نهادها، سازمان‌ها، فرآیندهای اجتماعی، نظام‌های سیاسی و خصوصیات

انتزاعی‌تر جوامع و فرهنگ‌ها تعریف می‌شود. به این ترتیب، جنبه‌های شناختی و اجتماعی این مثلث بافت محلی و همگانی گفتمان را فراهم می‌آورند. ون دایک بر اساس رویکردی چندرشته‌ای و بر اساس مثلی که از ترکیب گفتمان، شناخت و اجتماع شکل می‌دهد، سعی دارد نظریه‌ای جامع درباره‌ی ایدئولوژی ارائه دهد. جنبه‌ی گفتمانی ایدئولوژی‌ها توضیح می‌دهد که چگونه ایدئولوژی‌ها بر گفتار و نوشتار روزانه‌ی ما تأثیر می‌گذارند، چگونه ما گفتمان ایدئولوژیک را می‌فهمیم و چگونه گفتمان در بازتولید ایدئولوژی در اجتماع نقش دارد. بنابراین، کاربرد زبان، متن، گفتار و تعاملات و ارتباطات کلامی با عنوان عام گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعریف شناختی از ایدئولوژی در قالب شناخت اجتماعی‌ای ارائه می‌شود که در میان اعضای یک گروه مشترک است (Ibid: 1-6).

در این پژوهش، تحلیل تصاویر این کتاب از الگوی کرس و ون لیون (۱۹۹۶) استفاده شده است. در این زمینه کرس و ون لیون (۱۹۹۶) در کتابی با عنوان «خواندن تصاویر (دستور طراحی دیداری)» از پایگاه تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده سه فرانش هلیدی یعنی فرانش‌های اندیشگانی، بینافردی و متنی نوع روش‌شناسی برای مطالعه تصویر (البته تصاویر ثابت) ارائه کرده‌اند. به طوری که سه فرانش هلیدی را به سر فرانش در مطالعه تصویر تبدیل می‌کنند: فرانش بازنمودی، فرانش تعاملی و فرانش ترکیبی.

در فرانش بازنمودی، معنای بازنمودی توسط عناصری که به تصویر کشیده شده‌اند یا مشارکت کنندگان در تصویر آدم‌ها، مکان‌ها و چیزها انتقال داده می‌شود. در سطح بازنمودی تصویر دارای دو ساختار روایتی^۱ و مفهومی^۲ است. در ساختار روایتی شاهد وجود یک کنش در تصویر هستیم. برای تشخیص کنش باید به نمودارها توجه کرد، برخی تصاویر بردار دارند و به عبارتی، فعل یا کنشی از طریق بردار تحقق می‌یابد. پس تصاویر روایتی تصاویری هستند که دارای بردارند. در ساختار روایتی، نگاه می‌کنیم که چه کسانی نقش فعال را در عمل یا نگاه بازی می‌کنند: مردان، سفیدپوستان ثروتمندان، و چه کسانی منفعلند: زنان، اقلیت‌ها، رنگین پوستان و فقرا (Kress & Van

1. Narrative structure
2. Conceptual

(Leeuwen, 1996:102).

تصویری که بردار نداشته باشد، دارای ساخت مفهومی است. این تصاویر به سه دسته ساختارهای طبقه‌بندی نمادین و تحلیلی تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی آنجایی است که تصویر آنچه را به تصویر می‌کشد در طبقات متفاوتی قرار می‌دهد. ساختارهای نمادین در واقع ساختارهای استعاری هستند. ساختارها تحلیلی نیز تصاویر از طریق نشان دادن جزء به کل دلالتی را نشان می‌دهند و مفهومی را بازنمایی می‌سازند (Ibid: 103).

معنای تعاملی بین تصاویر و بیننده تصویر اتفاق می‌افتد. این نوع معنا در سه مقوله تماس، فاصله و زاویه دید تعریف می‌شود. در تماس با حالت چهره و ژست‌ها و نوع نگاه سروکار دارد. در بحث فاصله با نمای نزدیک که نمای صمیمیت و محرمیت، نمای متوسط، نمای روابط اجتماعی و نمای دور، نمای روابط غیرشخصی و بیگانه است در نظر گرفته می‌شود.

زاویه دید در دو طبقه قرار دارد: ۱. زاویه دید عمومی و بالا - پایین، که بالا قدرت است و پایین ضعف و ناتوانی، و ۲. زاویه دید روی محور افقی؛ زاویه دید روبرو که زاویه دید همدلی است و زاویه دید نیمرخ که زاویه دید بیگانه‌سازی است

در نقش ترکیبی به چگونگی شکل‌گیری تصویر پرداخته می‌شود در اینجا نیز ساختار مرکز/ حاشیه، بالا/ پایین و چپ/ راست قابل بررسی است. در ساختارهای مرکز/ حاشیه آنچه در مرکز است، قدرتمندتر از حاشیه‌هاست. در بالا/ پایین، بالا آرمانی و پایین مادی و دنیوی در بحث چپ/ راست همان‌گونه که در زبان به خاطر نوع نوشتار چپ و راست دارای ارزش اطلاعاتی است، در خوانش تصاویر نیز در فرهنگ‌های از چپ به راست آن عنصر تصویری که در سمت چپ قرار گرفته است دارای بار اطلاعاتی کهنه و عناصر تصویری که سمت راست قرار گرفتند، دارای بار اطلاعاتی نو هستند (Ibid: 110).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. متن اول درس سوم

شوکت فرهنگی عنوان متن اول درس سوم (صفحه ۳۸) است که در آن تفاوت‌های معناشناختی و کاربردشناختی زبان‌های انگلیسی و روسی در قالب داستانی خانوادگی نشان داده شده است.

ون دایک (۱۹۹۳) می‌نویسد: قصه‌گویی درباره امور قومی، به معنای اخص کلمه، نوعی تعامل گفتمانی است که در آن دانش و باورهای قصه‌گویان درباره امور قومی جزء پیش‌فرض‌هاست. اما در عین حال این قصه‌گویان دانش، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژی‌های گروهی را به مرحله اجرا درمی‌آورند، نمود عملی می‌بخشند و به آنها مشروعیت می‌دهند و یا آنها را به چالش می‌خوانند و از این طریق به بازتولید تعصبات قومی کمک می‌کنند که این به نوبه خود شالوده تبعیض را پی می‌ریزد و در نتیجه غیرمستقیم نابرابری قومی و کلیشه‌های قومی را تقویت می‌کند.

داستان این متن مربوط به میراندا^۱ یک زن انگلیسی است که با یک مرد روسی به نام الکساندر^۲ ازدواج می‌کند. میراندا می‌گوید: «هنگامی که برای اولین بار الکساندر را ملاقات کردم و او به زبان روسی به من گفت که برای من چایی بریز. عصبانی شدم که چرا این جمله را بدون «لطفاً» عنوان کرد و بعد فهمیدم که در زبان روسی شما مجبور نیستید از کلمات مؤدبانه استفاده کنی. اما به هر حال وقتی الکساندر را برای ملاقات والدینم به خانه بردم، مجبور شدم در یک دوره فشرده نحوه استفاده از «لطفاً» و «متشکرم» را به او آموزش دهم و گوشزد نمایم که مرتب لبخند بزنند. چیز دیگری که الکساندر نمی‌توانست بفهمد، این بود که چرا مردم می‌گویند: «ممکن است نمک را به من بدهی لطفاً؟»^۳ مردم در روسیه مستقیم‌تر صحبت می‌کنند. در پایان داستان میراندا می‌گوید: حالا در خانه به توافق رسیده‌ایم هنگامی که روسی صحبت می‌کنیم الکساندر می‌گوید: pour me some tea اما هنگامی که انگلیسی صحبت می‌کنیم، او باید «لطفاً»، «متشکرم» و یک لبخند اضافه کند.

1. Miranda

2. Alexander

3. Would you mind passing me the salt, please?

۱-۴. توصیف و تحلیل

واژه شوک در عنوان این متن «شوک فرهنگی» و همچنین استفاده از رنگ قرمز برای این واژه (راهکاری غیر کلامی)، نشانگر تفسیر متعصبانه نویسنده نسبت به فرهنگ خود در بازتولید قوم مداری در روابط بین قومی و بین فرهنگی است. ساختار کلی داستان تقریباً روشن و صریح است. فضا نسبتاً مختصر است و به محیط خانوادگی میراندا و الکساندر برمی گردد. مشارکین نیز در این داستان محدود به همین دو نفر هستند. راوی این داستان میراندای انگلیسی می باشد که در زمانی مشخص و قطعی روایت می کند و به گره افکنی و سپس گره گشایی این وقایع می پردازد برای مثال این گفته الکساندر: «ممکن است نمک را به من بدهی لطفاً، چرا مردم چیزهایی مثل این را می گویند»^۱ نمونه ای از گره افکنی است و جمله «در روسیه مردم خیلی مستقیم ترند (مستقیم تر صحبت می کنند)»^۲ نمونه ای از گره گشایی است. در واقع این داستان به بازتولید نگرش و ایدئولوژی مثبت نویسنده نسبت به زبان انگلیسی، به عنوان یک کل می پردازد و از طرفی کارکردی انتقادی از زبان روسی دارد.

در پایان داستان، راوی نتیجه می گیرد که بین زبان انگلیسی و زبان روسی تفاوت های کاربردی و معناشناختی وجود دارد که منجر به تفاوت های فرهنگی می شود، به گونه ای که زبان انگلیسی بیشتر از واژگان مؤدبانه استفاده می کند. بنابراین برای کاربران خود احترام بیشتری قائل است و زبانی مؤدبانه است و از این حیث نسبت به زبان روسی برتری دارد.

این داستان به بیان مدلی از ساختارهای مؤدبانه تقاضا در زبان انگلیسی اشاره دارد و متن از این نظر دارای انسجام موضعی است واژگان would you mind, sorry, could you, thank you که همگی در یک مفهوم واژگان مؤدبانه محسوب می شوند نشانگر این نوع انسجام هستند. به طور کلی نویسنده استفاده از واژگان مؤدبانه در زبان انگلیسی را یک ارزش اجتماعی فرهنگی و ایدئولوژی مثبت تلقی می کند که زبان روسی عاری از آن است و از این لحاظ بین این دو زبان تبعیض قائل می شود.

1. Why people said things like, would you mind passing me the salt, please
2. In Russia people are much more direct

۲-۴. متن دوم: درس چهارم

متن صفحه ۵۹ با عنوان «خانه‌هایی که هرگز فراموش نخواهید کرد» گزارشی با توصیفات جزئی درباره‌ی خانه‌ی مسکونی و باستانی در مکزیکوسیتی است. این خانه متعلق به نقاش سورئالیست خانم «فریدا کهلو» در قرن بیستم است. نویسنده توصیف خود را با دیوارها و پنجره‌ها شروع کرده و می‌نویسد: «خانه‌ای است با دیوارهای آبی روشن، پنجره‌های بزرگ و پشت پنجره‌های سبز که درختان آنها را احاطه کرده‌اند. ورودی خانه با دو مجسمه بزرگ حفاظت می‌شود که تقریباً ۷ متر طول دارند. بعد از آن باغچه‌ای را می‌بینید که فواره‌هایی دارد و پر از گیاهان استوایی است. هنگامی که وارد خانه می‌شوید، اتاق اول اتاق نشیمن است که جادار و با روح است؛ اینجا جایی است که فریدا و همسر نقاش «دیگوریورا» از دوستان مشهورشان همچون «نلسون راکفیلر» میلیونر، «جورج جرشوین» آهنگساز و «لئون تروسکی» رهبر سیاسی پذیرایی می‌کردند. هنگامی که وارد آشپزخانه می‌شوید اولین چیزی که توجه شما را جلب می‌کند سقف آن است که با رنگ زرد روشن نقاشی شده تا مانع ورود حشرات شود. میز زرد درازی که فریدا و دیگو اغلب ضیافت نهار را در آنجا برگزار می‌کردند و کابینت‌های چینی زردی که در درون آنها ظرف‌های سنتی مکزیکی قهوه‌ای و سبز وجود دارد. اغلب حیوان خانگی فریدا، میمون بامزه و یک طوطی (که حقه‌های جالبی را برای به دست آوردن کُر اجرا می‌کرد) در آنجا بودند. هر جایی در این خانه شما می‌توانید روح فریدا و دیگو را احساس کنید در طبقه دوم هنوز جعبه رنگ و قلم موهای فریدا بر روی میز در اتاق کارش وجود دارند. در اتاق خوابش شما می‌توانید کلاه و چند جفت کفش بزرگ را ببینید؛ او پاهای بزرگی داشت. در اتاق دیگر گنجینه‌ای با در شیشه‌ای وجود دارد که پر از لباس‌های رنگی مکزیکی فریدا است. بالای گنجینه به اسپانیایی نوشته شده «فریدا کاهلو در ۷ جولای در ۱۹۱۰ در اینجا متولد شد. اما در حقیقت وی متولد ۱۳۰۷ است. فریدا در اینجا تاریخ تولدش را به سال انقلاب مکزیک تغییر داده است.

۱-۲-۴. توصیف و تحلیل

نویسنده با توصیفات جزئی و جذابش به خلق مدل موقعیتی و بافتاری از خانه‌ای باستانی در ذهن خواننده می‌پردازد و جای جای این خانه را همچون فیلمی با یک سناریو رمانتیک در صحنه ذهن خواننده به نمایش می‌گذارد. در واقع این مدل ذهنی که براساس زاویه دید نویسنده سازمان یافته است، مقولات شناخته‌شده‌ای از قبیل صحنه (زمان و مکان) شرایط، مشارکین، رخداد/کنش را ترسیم می‌کنند. صحنه (خانه) متعلق به قرن بیستم در مکزیکوسیتی است. مشارکین در اینجا به‌طور مشخص فریدا کاهلو است که افراد دیگری نیز همچون ریورا، نلسون، جورج و لئون در برخی صحنه‌ها وی را همراهی می‌کنند. سبک زندگی این نقش در واقع رخدادی است که برای مخاطب به نمایش گذاشته شده است.

این متن طرح‌واره‌ای سلسله‌مراتبی دارد که با عنوان «خانه‌ای که هرگز فراموش نخواهید کرد» شروع شده و سپس ویژگی‌های خانه، بافت زمینه‌ای و تاریخی آنکه در مجموع مقولات زمینه‌ای را شکل می‌دهند و نیز زاویه دید نویسنده و تفسیر وی، مدلی ویژه از خانه‌ای باستانی را ارائه داده است و از این نظر متن دارای انسجام موضعی است، به‌طوری که واژه‌های خانه، آشپزخانه، اتاق خواب، پذیرایی، حیاط و... نشان‌دهنده این نوع انسجام هستند که کارکردی تخصیص‌دهنده دارند.

به‌طور کلی مدلی از «نقاش سورئالیست» ابر ساختار و طرح‌واره‌ای کلی متن است که همین نیز انسجام‌دهنده کلی آن است. نویسنده با این ابرساختار خواننده را به سوی شناختی اجتماعی نائل می‌سازد تا ایدئولوژی و نگرش ارزش‌گذارانه خویش را که مکتب سورئالیست است، به خواننده منتقل سازد. خانه توصیف شده در حقیقت بازنمایی مکتب سورئالیست است. دیوارهای آبی، پشت پنجره‌های سبز، باغچه‌ای با گیاهان استوایی و فواره در حیاط، همگی کنایه از مکتب سورئالیست است که طبیعت‌گرایی، خلق فضای رمانتیک و رنگارنگ از نشانه‌های آن می‌باشد. عبارت ذیل عنوان متن است:

“Houses you’ ll never forget” (The Blue House)

در اینجا خانه (House) استعاره از مکاتب است و خانه آبی (The Blue House)

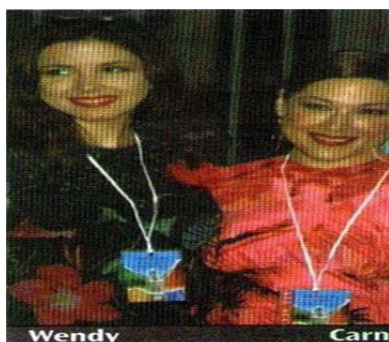
استعاره از مکتب سورئالیست است. در واقع عنوان این تعبیر را القامی کند: مکاتبی که شما هرگز فراموش نخواهید کرد و یکی از آن مکاتب مکتب سورئالیست است. قید هرگز (never) تأکیدی بر ثبات و نهادینه شدن مکاتب به‌عنوان، نمودی از فرهنگ و جامعه و حرف تعریف The در ساخت The Blue House نشان از معرفه بودن خانه آبی یعنی مکتب سورئالیست است.

نویسنده در توصیف آشپزخانه از سقف زرد آن، میز دراز زرد و کابینت‌های زرد آن می‌نویسد. استفاده از یک نوع رنگ در ابزار و وسایل که نشان‌دهنده چینش منظم و چشم‌انداز است نیز از ویژگی‌های مکتب سورئالیست است. حتی نوع توصیف نویسنده توصیفات جزء به جزء و ایجاد فضایی رمانتیک نیز نشانی از این مکتب است. بنابراین نویسنده یکی از ابعاد فرهنگی - باستانی غرب را برای خواننده بازنمایی می‌سازد. البته و رای این هدف، معرفی دو نقاشی سورئالیست به نام‌های «فریدا کاهولو» و «دیگو ریورا» و همچنین تأکید بر انقلاب مکزیکی اهداف دیگر نویسنده است.

در درس سوم متن «شوک فرهنگی» به تفاوت‌های کاربردی و معناشناختی در زبان انگلیسی و زبان روسی می‌پردازد که منجر به تفاوت‌های فرهنگی شده است. در این متن زبان انگلیسی به‌عنوان دانش ملی و ارزش فرهنگی انگلستان بازنمایی شده است که حاکی از تعصب نویسندگان نسبت به زبان انگلیسی است. در درس چهارم متن «خانه‌هایی که هرگز فراموش نخواهید کرد» به توصیف خانه مسکونی و باستانی در مکزیکو سیتی می‌پردازد که متعلق به نقاش سورئالیست خانم «فریدا کاهولو» در قرن بیستم است. در این متن دو نقاش معروف سورئالیست مکزیکی به نام «فریدا کاهولو» و «دیگو ریورا» در قرن بیستم، نلسون راکفلر، چهل و یکمین معاون رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا و چهل و نهمین فرماندار نیویورک، جورج گرشوین ۱۹۳۷ نقاش و آهنگساز آمریکایی و لئون تروتسکی ۱۹۴۰ مؤسس و اولین رهبر سیاسی جنبش ارتش سرخ در روسیه که به مکزیکی رفت و به تبلیغ انقلاب مارکسیستی روسیه پرداخت و همچنین انقلاب مکزیکی در سال ۱۹۱۰ به‌عنوان دانش ملی - فرهنگی یکی از ابعاد فرهنگی - باستانی بازنمایی شده‌اند.

با توجه به گفته‌های ون دایک تصاویر این کتاب به‌عنوان گفتمانی غیرکلامی و رخدادی ارتباطی کارکردهای مختلفی دارند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

الف) کارکرد اجتماعی - فرهنگی: همان گونه که اشاره شد در رویکرد کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) تصاویری که دارای ساختار تحلیلی است. از طریق نشان دادن جزء به کل دلالتی را نشان می دهند و مفهومی را بازنمایی می کند. بر این اساس، بسیاری از تصاویر این کتاب حامل آداب و رسوم، طرز پوشش و جنبه های فرهنگی همچون باورها، هنجارها، ارزش ها با روابط اجتماعی در جامعه غربی هستند و سبک زندگی غربی را نشان می دهند. برای نمونه می توان به تصویر شماره ۱ اشاره کرد که در درس اول صفحه ۱۴ در بالای صفحه سمت راست درج شده است.



تصویر ۱

این تصویر دارای ساختار تحلیلی است، به طوری که تصویر این دو دختر به عنوان یک جزء از دختران جوامع غربی با آرایش صورت و گوشواره های تزئینی و مدل موی آنها دلالتی است بر چگونگی ظاهر دختران و زنان غربی. از طرف دیگر، کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) معتقدند که معنای تعاملی که شرح داده شد بین تصویر و بیننده تصویر قابل بررسی است. بر این اساس در این تصویر دو دختر با چهره های خندان و نگاه مهربان که نماد همدلی است با نمای نزدیک که نمای صمیمیت است و زاویه دید رودر رو بیانگر نوعی تعهد از سوی تهیه کننده گان کتاب برای ایجاد یک تفاهم انتزاعی میان تصویر و بیننده است و این امکان را به بیننده می دهند تا به ارزیابی دقیق مشخصه ها و چگونگی ظاهر این دو دختر بپردازد. به طور کلی این تصویر با زبان بی زبانی در حال انتقال نحوه پوشش غربی به عنوان یک الگو و فرهنگ غربی است.

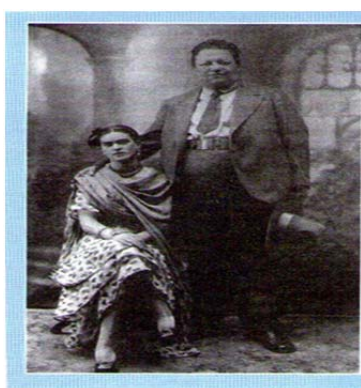
نمونه دیگر تصویر شماره ۲ است که در درس دوم، صفحه ۳۲ و در پایین صفحه راست وجود دارد.



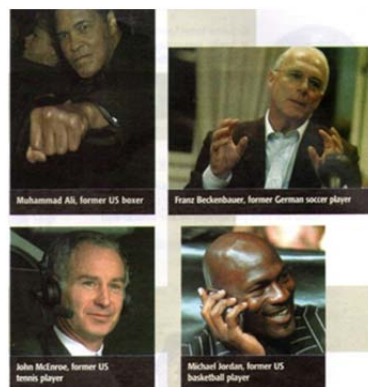
تصویر ۲

در تصاویری که دارای ساخت روایتی هستند، فعل یا کنشی از طریق بردار تحقق می‌یابد (Kress & Van Leeuwen, 1996). این تصویر روایت گفت‌وگوی سه نفر دور میزگردی را نشان می‌دهد. و به لحاظ تعاملی نیز دارای نمای متوسط است که نمای روابط اجتماعی است، به طوری که چگونگی روابط اجتماعی زن و مرد در غرب در این تصویر بازنمایی شده است. از طرف دیگر، ساخت تحلیلی در این تصویر قابل تبیین است، به طوری که مدل موی زن، مدل موی مرد، کراوات مرد سمت چپ به عنوان جزء کوچکی از جامعه غربی دلالتی است بر سبک پوشش و ظاهر افراد در این جوامع است، از طرف دیگر این تصویر چگونگی روابط اجتماعی زن و مرد در غرب را نشان می‌دهد. به طور کلی در همه تصاویر مربوط به مردان و زنان در این کتاب، انواعی از مدل‌های موی زنانه و مردانه، شلوار جین، کراوات، آرایش زنانه و مدل‌های مختلفی از لباس‌های زنانه قابل مشاهده است. از طرف دیگر همان‌طور که در تصاویر مشخص است، اسامی اشخاص در زیر آنها حک شده است که فرهنگ اسامی غربی را به مخاطب منتقل می‌سازد.

ب) کارکرد آگاهی بخشی: برخی از تصاویر این کتاب مربوط به شخصیت‌های هنری، ادبی، ورزشی، سیاسی و علمی جوامع غربی و برخی دیگر از تصاویر نمایی از شهرها و مکان‌های گردشگری غرب است که هدف از درج تصاویر این اشخاص و امکان معرفی و شناساندن آنها به مخاطب می‌باشد. برای مثال، در صفحه ۱۱ در بالای صفحه سمت راست تصویر شماره ۳ درج شده که تصویر ۴ چهره شاخص ورزشی است؛ بازیکن بسکتبالست و تنیسور سابق آمریکایی، فوتبالیست سابق آلمانی و بوکسور سابق آمریکایی. با توجه به الگوی کرس و ون لیوون، این چهار تصویر دارای ساختار مفهومی تحلیلی هستند، به گونه‌ای که چهره و اسامی چهار نفر از پیشکسوتان ورزشی آمریکایی و آلمانی را نشان می‌دهد در اینجا نیز هدف، نمایش چهره و اسامی این ورزشکاران برای مخاطب و آشنایی وی با این چهره‌هاست. اما نکته قابل توجه در اینجا این است که سه تا از این چهره‌ها خندان و بشاش هستند و فقط تصویر مربوط به محمدعلی، بوکسور سابق آمریکایی، با چهره‌ای خشن، عصبی، زورگو و با مشت‌های که به سوی مخاطب روانه کرده بازنمایی شده است. با توجه به اینکه وی با تغییر مذهب خود، مسلمان شد و نام خود را محمدعلی نهاد، اینک این گونه تصویرسازی این چهره نشان‌دهنده نگرش و ایدئولوژی منفی نسبت به اسلام و مسلمانان است. این نگرش منفی حاکی از این است که کسانی که به سوی اسلام گرایش پیدا می‌کنند افرادی زورگو، عصبی، خشن و از نژادی پست هستند.



تصویر ۴



تصویر ۳

تصویر شماره ۴ در صفحه ۵۹ در پایین صفحه سمت چپ به صورت سیاه و سفید بازنمایی شده است. این تصویر مربوط به خانم فریدا کاهلو^۱ و همسرش آقای دییگو ریورا^۲ است که دو نقاش مکزیکی سبک سورئالیست در قرن بیستم هستند و با این تصویر به مخاطب شناسانده شده‌اند. در واقع این تصویر یک مفهوم فرهنگی را القا و دو نقاش جامعه غربی را به خواننده معرفی می‌کند، بنابراین دارای ساخت مفهومی تحلیلی است. همچنین زاویه دید رو در رو و نمای متوسط بازنمایی شده است تا رابطه اجتماعی و عمیقی را با بیننده برقرار نماید.

در صفحه ۸۰ در پایین صفحه تصویر نقاشی معروف درج شده که هدف از آن ارائه این اثر هنری شاخص به مخاطب است (تصویر شماره ۵).



تصویر ۵

این تصویر، تصویر نقاشی معروف لبخند ژکوند در سمت راست صفحه درج شده است. همان‌گونه که اشاره شد براساس الگوی کرس و ون لیون (۱۹۹۶) در بحث چپ/راست تصویر این نقاشی در سمت راست درج شده که براساس نوع نوشتار زبان انگلیسی که از چپ به راست است، نوعی اطلاع کهنه محسوب می‌شود و این اطلاع کهنه در این تصویر بر قدیمی بودن و ماندگاری این نقاشی معروف دلالت می‌کند.

ج) تبعیض نژادی: باز نمود سیاه‌پوستان به عنوان گروه‌های اقلیت و به حاشیه راندن آنها در این کتاب کاملاً مشهود است. در زمینه نژادپرستی، ون دایک (۱۹۹۳) می‌نویسد: نخبگان مختلف (برای مثال، نخبگان عرصه سیاست، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها،

1. Frida Kahlo
2. Diego Rivera

آموزش و پرورش و بنگاه‌های تجاری) نقشی برجسته در بازتولید نژادپرستی ایفا می‌کنند و این مسئله را گاهی با زیرکی از طریق ژانرهای گفتمانی-ژانرهایی که به آنها دسترسی دارند- انجام می‌دهند.

بنابراین تهیه‌کنندگان این کتاب نیز با استفاده از تصاویر و نوع چینش آنها به‌عنوان یک ژانر گفتمانی که آن دسترسی دارند و کاملاً تحت کنترل آنهاست، به بازتولید نژادپرستی پرداخته‌اند، به طوری که از مجموع ۱۳۰ تصویر مرد و زن در این کتاب، تنها ۸ تصویر آن مربوط به سیاه‌پوستان است که آن هم در مواردی به‌عنوان جزء اضافی تصویر بازنمایی شده‌اند. برای مثال در صفحه ۱۰۸ در پایین صفحه راست تصویری از سه زن سفیدپوست و یک مرد سیاه‌پوست درج شده است، به طوری که مرد سیاه‌پوست در نمایی عقب‌تر و به‌صورت حاشیه با حالت گارد منظم که گویی محافظ زن سفیدپوست است، تصویرسازی شده است که براساس الگوی کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) نمای دور، نمای بیگانه‌سازی تصویر با بیننده است و مرد سیاه‌پوست با نمای دور حاکی از به حاشیه راندن و بیگانه جلوه دادن سیاه‌پوستان در جامعه است (تصویر ۶).



تصویر ۶

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گفتمان کتاب آموزشی فایل انگلیسی آمریکایی در واقع گفتمانی ایدئولوژیک است که اهداف نویسندگان از جمله توصیف و بررسی مسائل اجتماعی جوامع غربی و ارائه دانش ملی و فرهنگی این جوامع را در برمی‌گیرد. همچنین بازنمایی نظام سرمایه‌داری و

مصرف‌گرایی و نگرش نژادپرستانه در این کتب قابل تبیین است. به‌طوری که سبک زندگی، فرهنگ فردی و اجتماعی افراد در جوامع غربی و الگوهای فرهنگی آنها در این کتاب بازنمایی شده است.

با بررسی کتاب‌های آموزشی و تعیین ساختارهای گفتمان‌مدار موجود در آن می‌توان به ایدئولوژی نهفته در این کتاب‌ها دست یافت. بدیهی است که با استفاده مثبت از این ساختارها می‌توان به بیان ایدئولوژی مورد نیاز دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان پرداخت. متن کتاب‌های آموزشی زبان انگلیسی بین‌المللی برگرفته از سبک زندگی آمریکایی و انگلیسی بوده و در حال انتقال نرم فرهنگ غربی به لایه‌های مختلف اجتماع در ایران است.

اصطلاح جهانی شدن که تعاریف مختلفی برای فهم و درک آن ارائه شده، از دهه ۱۹۶۰ تا امروز جزء گفتمان‌های مسلط و رایج در محافل علمی و دانشگاهی است. آنتونی گیدنز^۱ (۱۹۹۱) جامعه‌شناس مشهور بریتانیایی، جهانی شدن را «تقویت مناسبات اجتماعی جهانی که محل‌های دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد، که هر واقعه، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و برعکس» تعریف می‌کند. در واقع گیدنز معتقد است: در جهانی شدن، روابط اجتماعی در سطح وسیع عمق می‌یابد؛ به گونه‌ای که فاصله‌ها نامحسوس شده و می‌توان علت وقوع یک حادثه در یک محل را در منطقه‌ای کاملاً مجزا و دور، جست‌وجو کرد. تعریف گیدنز از جهانی شدن به‌خوبی روشن‌گر نقش و تأثیر عوامل خارجی در امور داخلی کشورها در عصر جهانی شدن است. برای پدیده جهانی شدن دو مؤلفه کلیدی می‌توان برشمرد: ۱. گسترش ارتباطات جوامع با یکدیگر و ۲. گسترش امکان تأثیرگذاری جوامع بر تصمیمات یکدیگر.

در این شرایط تصور استقلال و انزوا برای هر مکانی در جهان بعید به نظر می‌رسد. از سوی دیگر در این کنش و واکنش که بین فرهنگ‌های مختلف شکل می‌گیرد وجود و شکل‌گیری فرهنگی واحد لازم به نظر می‌رسد. نکته قابل تأمل دیگر، فرهنگی است که در این کنش و واکنش وجه غالب را داراست، یا فرهنگی که در حال شکل

1. Antony Giddens

گرفتن است. در این عرصه نقش زبان به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی ملموس تر است. امروز در عرصه جهانی زبان انگلیسی که همان زبان فرهنگ غربی یا استعمار است وجه غالب را داراست. این غلبه فقط شامل ارتباطات نمی‌شود، بلکه همه حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. تا جایی که همه علوم تا زمانی که دستاوردهای خود را به زبان انگلیسی تولید نکنند قابلیت رشد را نخواهند. این در حالی است که در سیستم ارزشیابی نظام دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران، تولید دستاوردهای علمی به زبان استعمار ارزش و اعتبار بیشتری دارند. جای بسی تأسف است که دستاوردهای علمی نظام اسلامی در عرصه‌ای که استعمار تعریف می‌کند، به زبان و روش استعمار تولید می‌شود.

در نتیجه این ترجیح و اولویت، مؤسسات و آموزشگاه‌های متعدد آموزش زبان در نگاه ساده به آموزش زبان می‌پردازند. اما با نگاهی عمیق‌تر به متون و روش‌های این مؤسسات جنبه‌های دیگر اقدامات آنها روشن می‌شود. در اغلب این مؤسسات و آموزشگاه‌ها، کتاب‌هایی تدریس می‌شود که متن آن مربوط به فرهنگ غربی یا برگرفته از سبک زندگی آمریکایی و اروپایی بوده و در حال انتقال نرم فرهنگ غربی به لایه‌های مختلف اجتماع هستند و مسئله تهاجم فرهنگی به وضوح در این کتب قابل مشاهده است. البته لازم به ذکر است که اغلب این مؤسسات و آموزشگاه‌ها خود از تبعات کارشان مطلع نیستند. در این راستا توجه به موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱. توجه بیشتر مسئولان به متونی که در مؤسسات و آموزشگاه‌های زبان تدریس می‌شود.

۲. تدوین کتاب‌هایی مبتنی بر فرهنگ اسلامی- ایرانی برای آموزش زبان.

۳. تغییر خط مشی‌های وزارت علوم در ارزشیابی دستاوردهای علمی که به زبان فارسی تولید می‌شوند.

۴. تحکیم و تقویت جایگاه زبان فارسی در عرصه داخلی و بین‌المللی با توجه به گنجینه غنی علمی- ادبی آن.

فهرست منابع

منابع فارسی

- جوادی یگانه، محمدرضا و سیدمحمد علی صفحی (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان کتاب دا»، ادب پژوهی. دوره ۶، شماره ۲۱.
- صابرپور، زینب (۱۳۹۲). «بازنمایی جنسیت در رمان رازهای سرزمین من»، فصلنامه نقد ادبی، پاییز، شماره ۲۳.
- کوشا، منصور، محمدرضا طالبی نژاد و سعید تاکی (۱۳۸۴). «تجزیه و تحلیل انتقادی گفتمان کتب رایج آموزش انگلیسی بین‌المللی و داخلی در ایران»، مجله زبان‌شناسی کاربردی، تابستان، شماره ۴۲.
- مرادی، لیلا (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی کتاب درسی زبان انگلیسی ۳ دوره دبیرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

منابع لاتین

- Fairclough, N. (1993). Critical Discourse Analysis. Unpublished Manuscript.
- Giddens, Anthony. (1991). Modernity and Self-Identity. Self and Society in the Late Modern Age. Cambridge: Polity .
- Kress, G. Van Leeuwen, T. (1996). Reading Images: The Grammar of visual design, London: Routledge .
- Van Dijk , T. A. (1998). Critical Discourse Analysis: <http://www.hum.uva.nl/teun/cds.htm> .
- Van Dijk, T. A. (1993). "Principles of Critical Discourse Analysis", Discourse & Society, 4 (2): 249-283 .